

# عدالت اجتماعی، کلید تغییرات اقلیمی

PHILIPPE DESCAMPS نویسنده:

برگردان: شهباز نخعی

دولت فرانسه با وضع مالیات‌هایی قدرت خرید مردم و حفظ محیط زیست را با دشواری روبرو کرد. اما، هوشیاری جمعی جنبش «جلیقه زردها» باعث شد که در این دام نیفتند.

در گرماگرم ناآرامی‌های شدید، ریاست جمهوری در هشدار مستقیم در آستانه گردهمایی ۸ دسامبر به رسانه‌ها اعلام کرد که یک «هسته سخت شامل چندین هزار تن» در صدد آمدن به پاریس هستند تا «بشکنند و بکشند». عامل چشمگیر در این روز در بسیاری از شهرها همگرایی هزاران «جلیقه زرد» با راهپیمایی مردمی برای شرایط اقلیمی بود. ظهور «نامنظره» این جنبش در فضای عمومی و به ویژه در میدان‌ها همراه با نوعی پختگی سیاسی سریع بود. هرکسی با واژه‌های

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژانویه ۲۰۱۹

خود تعریف نظامی را ارایه می کرد که انسان را به ابرویرانگر شوم، هم برای طبیعت و هم برای  
همنوعانش بدل می کند.

با آن که هنوز وقت برای اجتناب از نابسامانی های اقلیمی (۱) باقی مانده، بسیاری از هم اکنون در  
زندگی روزمره خود فروپاشی انسان شناسانه را حس می کنند: ویرانی انسان «تبدیل شده به  
حیوانی تولید گر و مصرف کننده، کودن و سردرگم (۲)». در دنیایی که منابع محدود است،  
انباشت پایان ناپذیر و غیرقابل قبول آنها به نفع عده ای محدود به شدت جریان دارد. درحالی که  
اکثریت مردم نگران دخل و خرج ماهانه خود هستند. این که خیابان های پایتختی به آتش کشیده  
شود که در آن در دسامبر ۲۰۱۵ نخستین توافق جهانی گرمایش اقلیمی امضاء شده بود، بیانگر  
گسترده چالش اجتماعی جهانی، و بازی اکروباتیک دولت فرانسه است که قهرمان دستیابی به  
هدفی است که اساس سیاست اش به آن پشت کرده است.

در زمان بسیج مردمی، گروه رییس جمهوری امانوئل ماکرون گزینه مقصر دانستن مردم، و در درجه  
نخست آسیب پذیرترین آنها، را برگزید. درحالی که از سال های دهه ۱۹۵۰، همه سیاست های  
دولتی اولویت را برای حمل و نقل جاده ای قایل شده بود، و تبلیغات و صنعت داشتن خودرو شخصی  
را برای انسان مدرن صرف نظرناکردنی معرفی می کرد، اکنون همان دارنده خودرو است که باید همه  
هزینه های ناشی از این کار را بپردازد. افزایش مقرر بهای بنزین (پیش از لغو آن زیر فشار مردمی)  
به تساوی به همه فشار وارد می کرد. درحالی که، از یک سو، هزینه های الزامی زندگی (اجاره،  
حمل و نقل، ضروریات مختلف) بیش از پیش بر قدرت خرید بینواترین مردم چنگ می اندازد و،  
ازسوی دیگر، بارانی از هدایا برسر طبقات مرفه می بارد. اوج ریاکاری تشدید «مالیات زیست

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژانویه ۲۰۱۹

محیطی» است که می باید بخشی از معافیت های عوارض اجتماعی در نظر گرفته شده برای کارفرمایان، که برای انتقال نیرو ضروری نیست، را جبران کند (۳). محیط زیست برای اروپا حکم دستاویز بودجه ای را یافته است.

اکنون دیگر تردیدی در مورد فوریت انجام یک جهش برای شرایط اقلیمی انسان وجود ندارد. «گروه کارشناسان بین دولتی درباره تغییرات اقلیمی» (GIEC) در آخرین گزارش خود گوشزد کرده که تاکنون فعالیت های انسانی باعث افزایش گرمایش حدود ۱ درجه سانتیگراد در سطح کره خاک از عصر صنعتی شده است. با ادامه دادن به همین آهنگ، بین سال های ۲۰۳۰ و ۲۰۵۲ میزان گرمایش از مرز ۵.۱ درجه فراتر خواهد رفت که خسارت های آن با دشواری بسیار زیاد قابل کنترل خواهد بود (۴). در آتمسفر ریختن گازهایی که در گرمایش زمین نقش دارند رو به افزایش است. این درحالی است که می باید هرچه سریع تر میزان تولید این گازها کاهش یابد و سرآغاز این کار باید تعیین روشن مسئولیت ها باشد.

چند کشور بیشترین سهم را در انباشت تولید گازهای گلخانه ای از نیمه قرن نوزدهم تاکنون دارند. سهم ایالات متحده در این مورد ۳.۲۶ درصد، کشورهای اروپایی ۴.۲۳ درصد، چین ۸.۱۱ درصد، روسیه ۴.۷ درصد است. در سال ۲۰۱۴ یک قطری به طور متوسط ۳۴۵۰۰ کیلوگرم گاز کربنیک وارد آتمسفر می کرد درحالی که این میزان برای یک لوکزامبورگی ۱۷۶۰۰ کیلوگرم، آمریکایی ۱۶۴۰۰، تاجیکی ۶۲۵ و چادی تنها ۵۳ کیلوگرم بود (۵). هر آمریکایی، لوکزامبورگی یا تبعه عربستان سعودی متعلق به ۱ درصد از ثروتمندترین های کشور خود در سال ۲۰۰ تن گازهای گلخانه

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژانویه ۲۰۱۹

ای تولید می کند که بیش از ۲ هزار برابر یک فرد فقیر اهل هندوراس یا روآندا است. ۱۰ درصد ثروتمندترین های دنیا مسئول تولید ۴۵ درصد گازهای گلخانه ای هستند (۶).

چرا نباید برای کشورهای که از توافق های پاریس خارج می شوند مجازات های بین المللی تعیین کرد؟

هنگامی که میزان تولید کربن این عاملان اختلال و شیوه تولیدی که به آنها اجازه داده بدون هرگونه تنبیهی بیش از پیش ثروتمند شوند مشخص شود، تصور انتقال به یک نظام مطلوب زیست محیطی مردمی که در آن هزینه های سوخت و حمل و نقل بر بودجه خانوارهای متوسط سنگینی نکند آسان تر می شود. در آن هنگام می باید حشو و زوائد اعتقادی ای که مانع می شود که شهروندان سرنوشت خود را در دست گیرند، از جمله متن های قضایی جا داده شده در توافق های مبادله آزاد مانند آنچه در اتحادیه اروپا در حال شکل گیری است کنار گذاشته شود.

دو اهرم می تواند موجب شود که انسان از پس چالشی که دربرابرش است برآید. نخست؛ کاهش چشمگیر نابرابری ها و عوامل به وجود آورنده آنها (مقاله «ابراز تاسف از نابرابری ها، از یاد بردن ریشه های آن»)، به وجود آمدن اراده مشترک و خیزش جمعی لازم برای رهایی از وابستگی به سوخت فسیلی و نیز شیوه مصرفی که محرومیت عامل آن است. سپس، غیرجهانی سازی به مفهوم

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژانویه ۲۰۱۹

تعیین مقرراتی برای مبادلات در مورد معیارهای اجتماعی و زیست محیطی بر مبنای تولید کالاها و خدمات به نسبت بازسازی محیط زیست.

اگر شانه خالی کردن از تعهدات مجازات‌هایی بازرگانی دربرداشته باشد، برزیل آقای خایر بولسونارو یا همه کشورهای دیگری که کوشیده‌اند از توافق پاریس خارج شوند در مورد انجام این کار دو بار فکر خواهند کرد. مانند کارهایی که به دلایلی کم‌اهمیت‌تر از تهدیدات اقلیمی کسی جرئت انجام آن را ندارد. اگر دستمزد و مقررات زیست محیطی در فرانسه و چین یکسان باشد، فرانسه احتمالاً چوب و الوار کمتری به چین برای واردات مبلمان صادر خواهد کرد و بر مالیات مازوت خیلی آلوده‌کننده کشتی‌ها به همان اندازه بنزین فروخته شده در جایگاه‌ها افزوده خواهد شد. آیا باز هم می‌توان امتیاز قایل شده برای هواپیمایی - آلوده‌کننده‌ترین شیوه حمل و نقل (برای ثروتمندان) - به خاطر فقدان مالیات ارزش افزوده برای سوخت هواپیما را عادی دانست؟ یا باز در عرصه تغذیه می‌باید به تشویق صادرات محصولات صنعتی که زیانباری آنها شناخته شده (شکر، نمک، افزودنی‌ها، نگهدارنده‌ها و غیره) به جای تأکید بر مواد اولیه و چرخه کشاورزی بیولوژیک ادامه داد؟ این مسئله انتخاب مصرف‌کننده نیست: در نبود سیاست‌های دولتی و مقررات جدی، توده مردم محکوم به «سوء تغذیه» است، در حالی که محصولات بیو در دسترس شمار معدودی از افراد ثروتمند قرار می‌گیرد.

رعایت اعتدال، قابلیت سوختی، توسعه تولید سوخت‌های تجدیدپذیر؛ عرصه‌هایی که می‌توانند موجب کاهش تولید کربن شوند کم نیست اما سرمایه‌گذاری در آنها ضروری است. مقررات مالیاتی دولت‌های اروپایی (کاهش کلی مالیات بر سود) و تسهیلات اعتباری عظیم اعطایی توسط

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژانویه ۲۰۱۹

بانک مرکزی اروپا به بانک های خصوصی (۲۶۰۰ میلیارد یورو خرید اوراق قرضه در کمتر از ۴ سال) نشان می دهد که بازیگران خصوصی نقش عمده ای نداشته و ترجیح می دهند بیشترین میزان سود را به صاحبان سهام (با افزایش ۶.۲۳ درصد در سال ۲۰۱۷ در فزائسه) پرداخت کنند. در عین حال، فقدان توافق های اروپایی الزام به سرمایه گذاری دولتی نموده و قدرت خرید را با انقباض «هزینه کار» محدود می کند. تامین مالی تغییرات به بن بست منتهی می شود.

اعطای امتیازات مداوم به ثروتمندانی که بیشتر ویرانگرند تا سرمایه گذار

سازنده ترین نمونه از تفاوت بین نيات ابراز شده و واقعیت عملکرد دولت در عرصه مسکن است. پس از گردهمایی زیست محیطی سال ۲۰۰۷ در گرnl پاریس، توافقی درمورد پذیرش اهمیت نوسازی منابع نیرو حاصل شد. امروز ساخت یا بازسازی ساختمان ها برای تطبیق آنها با حداقل مصرف امری شناخته شده است. در ماه مارس سال ۲۰۱۳ برنامه ای ملی در این مورد ارایه شد اما این برنامه تاکنون ترجمان مشخصی در تحول قانون تنظیمات رقومی مسکن (موسوم به قانون «الان») مصوب ۲۳ نوامبر گذشته نیافته است. نزدیک به ۷ میلیون تن در «آبکش های حرارتی» به سر می برند و بی ثباتی سوختی را تحمل می کنند (۷). این نوسازی ها سبب افزایش آسایش هم در زمستان و هم در تابستان خواهد شد، از میزان تولید کربن خواهد کاست و امکان ایجاد هزاران شغل را پدید خواهد آورد. ولی سرمایه گذاری خیلی مهم است و استهلاک مالی خیلی طولانی و مهندسی فنی برای این که خانواده ها خود بتوانند در این مورد اقدام کنند خیلی پیچیده است. تنها سرمایه

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژانویه ۲۰۱۹

گذاران دولتی یا شبه دولتی (دفاتر مسکن، صندوق پس انداز و غیره) می توانند فقدان اقدامات خصوصی را برای همراهی افراد و مالکیت های مشترک جبران کنند.

به این ترتیب، اعتبار مالیاتی برای رقابت پذیری و اشتغال (CICE) ابزار اصلی سیاست اقتصادی در دوران ریاست جمهوری آقای فرانسوا اولاند بود. این ابزار که در زمان ماکرون به صورت کاهش مداوم عوارض اجتماعی درآمد، هیچ تعهدی برای موسسات ایجاد نمی کند. نه به سرمایه گذاری وجوه حاصل از حواشی اقتصاد واقعی یا تغییرات اقلیمی، نه حتی تخصیص این پول به کاهش هزینه های سوختی خودشان یا در زمینه مواد اولیه.

از بسته شدن خطوط کوچک راه آهن یا دادگاه های محلی ، تا «خودرو گردشگران ماکرون»، از ارزانی حق عبور از بزرگراه ها تا دوبرابر شدن واردات روغن نخل برای کارخانه توتال در لامد، می توان مثال های متعددی در مورد کم کاری در جبهه محیط زیست و «جابجایی» منطقه ای و دورشدن از خدمات دولتی ذکر کرد. حتی رودررو با قیام «جلیقه زردها» و نارضایتی رای دهندگان گرایش های مختلف، آقای ماکرون در مورد آنچه که به نظرش اصولی بوده، یعنی امتیازهای قایل شده برای ثروتمندترین ها و مدعیان سرمایه گذاری که بیشتر ویرانگرند تا سرمایه گذار، عقب نشینی نکرده است. با آن که فوریت اقلیمی ایجاب می کند که قدرت حکومت اعمال شود، این را نیز ایجاب می کند که خود را از سنگینی گروه های فشار خلاص کند و به شهروندان امکان اقدام جمعی، در سطح مناسب ترین برای هر تصمیم بدهد. گستردگی گزینه های مدنظر و تقاطع مسایل مطروحه مستلزم ابزارهای نهادینی جسورانه تر از «بحث ملی» اعلام شده است. نیاز به دخالت همه

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژانویه ۲۰۱۹

مردم و برنامه ریزی تحولات به صورت دموکراتیک قدرتی پدید می آورد که از طریق آن «آزادی، قابلیت و عدالت اجتماعی می تواند سرانجام همگرایی یافته و همگانی شود (۸)».

توافق های پاریس طرحی کم رنگ از برنامه ریزی های چندجانبه را ارایه می کند. COP۲۴ که در ماه دسامبر در کاتویس لهستان برگزار شد متنی کاربردی برای آن را به تصویب رساند. این متن امکان می دهد که با دقت تعهدات داوطلبانه هر کشور در عرصه کاهش تولید گازهای گلخانه ای سنجیده شود. اما این تعهدات هنوز در سطح مطلوب نیست. بدون یک چرخش سریع تر، افزایش درجه حرارت زمین تا پایان قرن حاضر از ۳ درجه بیشتر خواهد شد. سناریوی غیرقابل پذیرش، به ویژه برای کشورهای «جنوب» که آسیب پذیرترین کشورها و درعین حال کم بهره گرفته ترین از توسعه عصری که مصرف سوخت رواج داشته هستند. یک صندوق سبز اقلیمی می باید با هدف جبران این عدم تعادل تاریخی ایجاد شود و به این کشورها کمک کند که خود را با وضعیت تطبیق دهند و اشتباه های کشورهای صنعتی را بازتولید نکنند. این کار با دستیابی به هدف، حداقلی، ۱۰۰ میلیارد دلار در سال فاصله دارد. عدالت اجتماعی که اکنون در سطح فرانسه نیافتنی است، حتی با آن که «جلیقه زردها» بر بسیاری از کشورهای دیگر اثر گذارده اند، افقی بسیار نامطمئن در سطح جهانی است.

-۱

Lire notre dossier « [Comment éviter le chaos climatique ?](#) », *Le Monde diplomatique*, novembre ۲۰۱۵.



-۲

Cornelius Castoriadis, *Une société à la dérive. Entretiens et débats*, ۱۹۷۴-۱۹۹۷, Seuil, Paris, ۲۰۰۵.

-۳

Comme le formule le « rapport économique, social et financier » du projet de la loi de finances pour ۲۰۱۹, envoyé par le gouvernement à la Commission européenne.

-۴

« [Global warming of ۱.۵°](#) », « Summary for policymakers », rapport spécial du GIEC, Genève, ۲۰۱۸.

-۵

« [CAIT climate data explorer ۲۰۱۵](#) », World Resources Institute, Washington, DC.

-۶

Lucas Chancel et Thomas Piketty, « [Carbone et inégalité : de Kyoto à Paris](#) », École d'économie de Paris, ۳ novembre ۲۰۱۵.

L'association Oxfam arrive à des estimations proches :

« [Inégalités extrêmes et émissions de CO<sub>2</sub>](#) », Oxfam,

۲ décembre ۲۰۱۵.

-۷

« [Le tableau de bord ۲۰۱۸](#) » (PDF), Observatoire national de la précarité énergétique, ۲۰۱۸.

-۸

Pierre Mendès France, *La République moderne. Propositions*, Gallimard, Paris, ۱۹۶۲.